



درس فراهی فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - السابع: الحلال المختلط بالحرام ...

تاریخ: ۱۶ مهر ۱۳۹۶

موضوع جزئی: جهات چهارگانه - جهت اول: معنای اختلاط

مصادف با: ۱۷ محرم ۱۴۳۹

سال هشتم (سال پنجم خمس)

جلسه: ۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جهت اول: معنای اختلاط

عرض شد در امر سبع جهات متعددی محل بحث است. اولین جهتی که در هفتمین مورد از موارد متعلق به خمس باید مورد رسیدگی قرار گیرد، تفسیر حلال مخلوط به حرام است. اینکه اساساً مقصود از حلال مختلط به حرام چیست؟ ادله‌ای که اقوال مختلف در تفسیر این موضوع دارند باید مورد بررسی قرار گیرد.

احتمالات پنجگانه

احتمالات متعددی در این زمینه وجود دارد؛ البته همه این احتمالات قائل ندارند و صرفاً در حد احتمال هستند. ابتدا احتمالاتی که در مورد مال حلال مخلوط به حرام وجود دارد، عرض می‌شود و سپس به بیان ادله آن‌ها پرداخته خواهد شد.

احتمال اول: مقصود از اختلاط مال حلال به حرام، اختلاط خارجی باشد؛ یعنی دو مال با هم خارجاً مخلوط شوند. مثلاً گندم [از یک نوع] یا روغن، که پنج کیلو برای مالک و پنج کیلوی دیگر مال شخص دیگر است؛ این دو خارجاً با یکدیگر مخلوط شوند.

احتمال دوم: مقصود از اختلاط، اختلاط خارجی نباشد؛ بلکه به تعبیر برخی اختلاط ذهنی باشد. یعنی خارجاً مخلوط نشده‌اند لکن صاحب مال نمی‌تواند این‌ها را تمییز دهد. مثلاً دو حلب روغن وجود دارد؛ می‌داند که یکی از این دو حلب، مربوط به خود اوست و حلب دیگر مربوط به دیگری است. این روغن‌ها با هم مخلوط نشده‌اند اما این شخص فراموش کرده و قدرت تمییز ندارد [مثلاً یادش نیست یا نمی‌داند یا هر دلیل دیگر] و نمی‌داند کدام یک برای خودش است و کدام برای دیگری است.

تفاوت احتمال اول و دوم: فرق بین این دو عنوان، عموم و خصوص من وجه است. یعنی یک جایی ممکن است خارجاً این دو با هم مخلوط شده باشند ولی اختلاط ذهنی صورت نگرفته باشد. یعنی این شخص می‌تواند تمییز و تشخیص بدهد؛ مثلاً می‌داند گندم‌های خودش چطور بوده ولی این‌ها در خارج با هم مخلوط شده‌اند.

گاهی اختلاط ذهنی هست و اختلاط خارجی نیست. مانند مثالی که بیان شد که این دو مال، خارجاً با هم مخلوط شده‌اند اما شخص نمی‌تواند تشخیص دهد.

گاهی هر دو عنوان تحقق دارد، ماده اجتماع دارند یعنی هم اختلاط ذهنی وجود دارد و هم اختلاط خارجی.

گاهی هم اختلاط خارجی هست ولی اختلاط ذهنی نیست.

احتمال سوم: اختلاط به نحو اشاعه باشد؛ یعنی ملاک در تعلق خمس این است که این دو مال به نحوی با هم مخلوط شده‌اند که گویا یک مال شده‌اند و دیگر دو مال نیستند. مثلاً این شخص با پول و ثمنی که بین خودش و دیگری مشترک بوده، بدون رضایت طرف مقابل، درهم و دینار خریده است. الآن در هر درهم و دیناری که این شخص خریده، هم مالک و هم غیر، هر دو به نحو اشاعه شریک هستند. یا مثلاً دو مایع با هم مخلوط شده‌اند که یکی مال خودش و دیگری مال غیر بوده است. این‌جا اختلاط بین المالین صورت گرفته ولی به نحو اشاعه.

احتمال چهارم: هر دو با هم ملاک باشند؛ یعنی هم اختلاط ذهنی و هم اختلاط خارجی. یعنی اگر این دو قید با هم تحقق پیدا کردند، موضوع این خمس محقق می‌شود. ولی اگر احد القیدین به تنهایی محقق شد، موضوع این خمس محقق نمی‌شود.

احتمال پنجم: یکی از این دو قید به صورت غیر معین مقصود است؛ یا اختلاط ذهنی یا اختلاط خارجی. احدهما به نحو غیر معین؛ این‌که هر یک از انحاء اختلاط تحقق پیدا کرد، موضوع خمس است؛ یا اختلاط ذهنی یا اختلاط خارجی.

تفاوت احتمال چهارم و پنجم با احتمال اول و دوم: در احتمال اول خصوص اختلاط خارجی ملاک است و در احتمال دوم، خصوص اختلاط ذهنی ملاک است. یعنی اختلاط خارجی به تنهایی کافی نیست. اگر به نحوی بود که صاحب مال نتوانست تشخیص دهد و نتوانست مال خود را از مال غیر تفکیک کند، آن وقت است که موضوع خمس محقق شده است. در احتمال چهارم، هر دو با هم ملاک هستند؛ یعنی یکی به تنهایی کافی نیست؛ هم باید خارجاً مخلوط شده باشند و هم این شخص قدرت تشخیص و تمییز مال خود از مال غیر را نداشته باشد. در احتمال پنجم، احدهما به نحو غیر معین ملاک است. یعنی اگر یکی از این دو قید تحقق پیدا کرد، موضوع خمس محقق شده است؛ یا اختلاط ذهنی یا اختلاط خارجی.

پس به طور کلی در تفسیر اختلاط در موضوع محل بحث، پنج احتمال وجود دارد. وقتی گفته می‌شود: «**الحلال المختلط بالحرام**»، در این اختلاط پنج احتمال وجود دارد.

سؤال:

استاد: بعداً عرض خواهد شد که وقتی گفته می‌شود «غیر» و «مال حرام» دامنه و دایره آن چقدر است. یک فرض ممکن است این باشد که اگر کسی حقّ امام و خمس را ندهد، این یک پنجم مال غیر است. آیا این از مصادیق حلال مخلوط به حرام است یا خیر.

سؤال:

استاد: می‌خواهیم ببینیم تعلق می‌گیرد یا خیر. بالاخره این یک موضوع مستقل است.

این را تأکیداً عرض می‌کنم که در این‌جا بحث در این است که خود عنوان متعلق خمس هست یا خیر [در جهت ثانیه بحث خواهیم کرد] فارغ از عناوین؛ یک قاعده‌ای تأسیس کردیم که خمس به مطلق فایده و غنیمت تعلق می‌گیرد. این‌جا اگر در مورد تعلق خمس به مال حلال مخلوط به حرام بحث می‌شود، حیث فایده و غنیمت بودن آن (اگر صدق کند)، محل بحث نیست. باید دید خود این عنوان مستقلاً و رأساً در کنار سایر عناوین [غنیمت جنگی، معدن، زمینی که کافر ذمی می‌خرد، کنز و...]، موضوع خمس واقع شده یا نه؟ این خودش یک موضوع مستقل برای تعلق خمس می‌شود.

پس در مورد اختلاط، پنج احتمال وجود دارد.

دلیل احتمال اول

برخی احتمال اول را پذیرفته‌اند. یعنی گفته‌اند موضوع خمس در مانحن فیه، اختلاط خارجی است. دلیل این احتمال، روایت عمار است که ظهور در اختلاط خارجی دارد. این روایات در جلسات آینده به طور مفصل بیان خواهد شد اما الان در حد نیاز اشاره می‌شود. روایت عمار که برخی از آن تعبیر به موثقه کرده‌اند و برخی دیگر تعبیر به صحیحه کرده‌اند: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْخِصَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمَارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «فِيمَا يُخْرَجُ مِنَ الْمَعَادِنِ وَالْبَحْرِ وَالْغَنِيمَةِ وَالْحَلَالِ الْمُخْتَلِطِ بِالْحَرَامِ إِذَا لَمْ يُعْرَفْ صَاحِبُهُ وَالْكُنُوزِ الْخُمْسُ»^۱. عمار بن مروان می‌گوید: شنیدم که امام صادق (ع) فرمود: در آنچه که از بحر، معدن، غنیمت، حلال مخلوط به حرام که صاحب آن شناخته نشود و کنز، خارج می‌شود، خمس بر آن واجب است.

[طبق نظر این قائل] ظاهر روایت این است که اختلاط خارجی ملاک است. چون اختلاط به خود مال اضافه شده است. یعنی روایت می‌گوید: «الْحَلَالِ الْمُخْتَلِطِ بِالْحَرَامِ»؛ در این جا «اختلاط» به چه چیزی اضافه شده است؟ طبق ظاهر این روایت، اختلاط به خود مال اضافه شده است. یعنی می‌گوید مال حلال با حرام مخلوط شود؛ این ظهور در اختلاط خارجی دارد.

دلیل احتمال دوم

۱. مستند احتمال دوم، روایت سکونی است. موثقه سکونی یا به تعبیر برخی معتبره سکونی عبارت است: عَنْ السُّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «أَتَى رَجُلًا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَقَالَ: إِنِّي كَسَبْتُ مَالًا أَعْمَضْتُ فِي مَطَالِبِهِ حَلَالًا وَحَرَامًا وَقَدْ أَرَدْتُ التَّوْبَةَ وَلَا أَدْرِي الْحَلَالُ مِنْهُ وَالْحَرَامُ وَقَدْ اخْتَلَطَ عَلَيَّ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): تَصَدَّقْ بِخُمْسِ مَالِكَ فَإِنَّ اللَّهَ رَضِيَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بِالْخُمْسِ وَسَائِرُ الْمَالِ لَكَ حَلَالٌ»^۲.

ملاک احتمال دوم و مستند قول دوم، این بخش از روایت سکونی است که می‌گوید: سائل از امام صادق (ع) اینطور سؤال می‌کند که من کسب و کاری داشتم و خیلی حلال و حرام را در کسب و کارم رعایت نمی‌کردم. «لا ادري الحلال منه و الحرام وَقَدْ اخْتَلَطَ عَلَيَّ»؛ بر من مختلط شد یعنی من نمی‌دانم. این ظهور در اختلاط ذهنی دارد. یعنی من نمی‌توانم تمییز دهم که کدام حلال و کدام حرام است.

تعبیر روایت را دقت کنید! اینطور باید یاد گرفت و از روایات استفاده و استظهار کرد. تعبیر روایت اول این بود: «الْحَلَالِ الْمُخْتَلِطِ بِالْحَرَامِ»؛ اختلاط به مال اضافه شده بود. در این جا اختلاط به خود شخص اضافه شده است. می‌گوید: «وَقَدْ اخْتَلَطَ عَلَيَّ». این ظهور در اختلاط ذهنی دارد؛ چون اختلاط به مالک اضافه شده و به مال اضافه نشده است.

۲. بعلاوه، روایت دیگری که ممکن است به نوعی این احتمال را تقویت کند و مستند این احتمال باشد، روایتی از حسن بن زیاد است: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «إِنَّ رَجُلًا أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أَصَبْتُ مَالًا لَا أَعْرِفُ حَلَالَهُ مِنْ حَرَامِهِ فَقَالَ (ع) أَخْرِجِ الْخُمْسَ مِنْ ذَلِكَ الْمَالِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ رَضِيَ مِنَ الْمَالِ بِالْخُمْسِ وَ

^۱. الخصال، ص ۲۹۰، ح ۵۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۹۴، باب ۳ از ابواب مایجب فیه الخمس، ح ۶.

^۲. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۵. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۶، باب ۱۰ از ابواب مایجب فیه الخمس، ح ۴.

اجْتَنِبْ مَا كَانَ صَاحِبُهُ يُعَلِّمُ^۱.

البته مضمون این روایت، مثل روایت سکونی است. ولی گویا با تعابیر مختلف و یا توسط دو راوی بیان شده. واقعه و حادثه یکی بوده اما دو راوی این روایت را از امام صادق (ع) نقل می‌کنند.

این جا هم اختلاط و اشتباه به خود مالک نسبت داده شده است. می‌گوید: «لَا أَعْرِفُ حَلَالَهُ مِنْ حَرَامِهِ»؛ من نمی‌دانم حلال و حرام کدام است. ظاهر این روایت اطلاق دارد یعنی اعم است از این‌که در خارج هم اختلاطی بین دو مال صورت گرفته باشد یا نگرفته باشد. مهم این است که این شخص می‌گوید: «لَا أَعْرِفُ حَلَالَهُ مِنْ حَرَامِهِ»؛ من نمی‌توانم حلال را از حرام تشخیص دهم. از این جا معلوم می‌شود که این اختلاط، اختلاط ذهنی است. یعنی در ذهن من [مالک] این‌ها مشتبه شده است.

دلیل احتمال چهارم

به نوعی از این دو روایت می‌توان برای احتمال چهارم و پنجم نیز به همین دو روایت استناد کرد؛ یعنی به روایت عمّار و روایت سکونی یا حسن بن زیاد.

لذا مستند احتمال چهارم، هر دو روایت می‌تواند باشد. یعنی کسی بگوید: این جا دو روایت داریم؛ یکی روایت عمار و دیگری روایت حسن بن زیاد. هر کدام یک قیدی را ذکر کرده‌اند؛ هر کدام برای تعلق خمس به این مال، یک جزئی مدّ نظر آن‌ها بوده است. طبق روایت عمار، اختلاط خارجی [یعنی این‌که مال خارجاً با حرام مخلوط شود] ملاک است. طبق روایت حسن بن زیاد، اختلاط ذهنی ملاک است. اگر این دو روایت ملاحظه شود، نتیجه گرفته می‌شود که هر دو ملاک هستند. مجموع القیدین، یعنی برای تعلق خمس هر دو قید شرط هستند. یعنی هم باید خارجاً بین المالین اختلاط صورت گرفته باشد و هم این‌که نتوانیم تمییز دهیم [اختلاط ذهنی]. چون دو روایت داریم که یکی به اختلاط خارجی و دیگری به اختلاط ذهنی اشاره کرده است و هر دو روایت هم معتبر هستند. اینطور هم نیست که ما بتوانیم یکی را بر دیگری حمل کنیم، چون مطلق و مقید نیستند. مثلاً اگر یک روایتی شرطی را برای صلاة ذکر کرد و روایت دیگری آمد و شرط دیگری را برای صلاة ذکر کرد، چه مانعی دارد که ما هر دو شرط را اخذ نکنیم؟ لذا می‌گوییم هر دو شرط است. در این جا نیز همینگونه است؛ دو روایت آمده که یکی می‌گوید اگر دو مال خارجاً مخلوط شدند باید خمس داده شود و دیگری می‌گوید اگر مالک قدرت تمییز نداشته باشد و در ذهن او این اشتباه صورت گرفته باشد، باید خمس داده شود. ما هر دو را ملاک قرار می‌دهیم و می‌گوییم هم خارجاً و هم ذهناً باید اختلاط صورت گرفته باشد.

دلیل احتمال پنجم

مستند احتمال پنجم نیز همین دو روایت است؛ منتهی با این تفسیر که این دو روایت، هر کدام یک شرطی را بیان کرده‌اند؛ ولی وقتی عرف با این دو روایت مواجه می‌شود، در مورد مواجهه با این دو روایت می‌تواند این را بفهمد که در این جا احد القیدین ملاک است. مهم، مطلق اختلاط است؛ یا خارجاً اختلاط پیدا شود یا ذهناً. این‌ها به نحو مانعة الخلو برای تعلق خمس شرطیت دارند.

دلیل احتمال سوم

^۱ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۳۵۸. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۵، باب ۱۰ از ابواب ما یجب فیہ الخمس، ح ۱.

صاحب حدائق احتمال اشاعه را پذیرفته است. ایشان می‌گویند: اختلاطی که در این جا ملاک است، اختلاط به نحو اشاعه است و روایات این باب و روایات تصدق به مجهول المالک، مورداً از هم متفاوت هستند. اصلاً مورد روایات صدقه مجهول المالک یک چیز است و مورد این روایات چیز دیگری است. در این جا فرض این است که اختلاط به نحو اشاعه باشد. ایشان نیز به روایات استناد کرده است. یعنی هر جزئی از اموال، به نحو شراکت بین مالک و غیر مالک توزیع می‌شود. اگر اینطور باشد اختلاط به نحو اشاعه صورت می‌گیرد. این نظر صاحب حدائق است و مستند آن همین روایات است. منتهی می‌گویند روایات صدقه مجهول المالک، آنجایی که می‌گویند مجهول المالک را صدقه دهید، مسأله اختلاط نیست بلکه مالک معلوم نیست و می‌گویند صدقه بدهید. ولی روایات این باب، از این جهت فرق می‌کند که هر درهم و هر جزئی از اجزاء این مال، مشترک بین مالک و غیر مالک است.

نظر مرحوم سید(ره)

از ظاهر عبارت مرحوم سید [صاحب عروه] اینطور فهمیده می‌شود که آنچه مدّ نظر ایشان است، مطلق اختلاط است. این که مالک نتواند بین مال حرام و مال حلال تشخیص و تمییز دهد؛ یعنی همان اختلاط ذهنی. اعم از این که در خارج مخلوط شده باشد یا نشده باشد. چون ممکن است درهم و دینار با هم مخلوط شوند اما درهم‌های آن شخص یک علامتی دارد که از درهم مالک قابل تفکیک است که این، مصداق و موضوع بحث ما نیست. آن چیزی که موضوع خمس است، اختلاط ذهنی است. اعم از این که در خارج اختلاطی صورت گرفته باشد یا نگرفته باشد. این که اختلاط صورت نگرفته باشد مانند این که دو گاو صندوق وجود دارد که مثل هم هستند و در هر دوی آن‌ها درهم وجود دارد و درهم‌ها نیز مثل هم هستند؛ می‌داند که از این دو گاو صندوق، یکی برای خودش و دیگری برای غیر است اما نمی‌داند کدام است. در این جا اختلاط خارجی صورت نگرفته ولی ذهن او نمی‌تواند تمییز دهد.

پس به نظر مرحوم سید، عدم تمییز مالک، ملاک است؛ اعم از این که در خارج اختلاط صورت گرفته باشد یا نگرفته باشد. سؤال:

استاد: منظور از اختلاط ذهنی یعنی عدم قدرت تشخیص. ممکن است در یک جا اختلاط خارجی باشد اما اختلاط ذهنی نباشد. مثلاً تمام درهم‌ها و دینارها مخلوط شده اما می‌تواند تشخیص ص دهد [مثلاً علامت دارند].

عبارت مرحوم سید را ملاحظه بفرمایید: «الخامس: المال الحلال المخلوط بالحرام علی وجه لا یتمیّز، مع الجهل بصاحبه و بمقداره»؛ مال حلال مخلوط به حرام به گونه‌ای است که تمییز داده نمی‌شود. ملاک را روی این برده که مالک نمی‌تواند تمییز دهد. البته این قید را هم دارد که مع الجهل بصاحبه و بمقداره.

نظر امام (ره)

نظر امام(ره) نیز ظاهراً همین است: «الحلال المختلط بالحرام مع عدم تمیّز صاحبه أصلاً». البته «عدم العلم بقدره» نیز دارد. ظاهر عنوان حلال مخلوط به حرام چه بسا همان اختلاط خارجی باشد ولی از مجموع کلام ایشان چه بسا بتوان همان اختلاط ذهنی را استفاده کرد. عمده این است که طبق نظر امام و طبق نظر مرحوم سید در عروه، ملاک تعلق خمس در مانحن فیه این است که این دو مال به نحوی مخلوط شده باشند که مالک نتواند تشخیص دهد؛ اعم از این که در خارج اختلاط صورت گرفته باشد یا نگرفته باشد. یعنی همان احتمال دوم.

پس احتمالات و اقوال و ادله بیان شد. همچنین نظر امام و مرحوم سید نیز معلوم شد. در بین این احتمالات و اقوال، حق کدام است؟ کدام احتمال قابل قبول است و اگر سایر احتمالات مردود هستند، به چه دلیل مردود هستند؟ باید قول حق را بیان کنیم و دلیل بر بطلان سایر احتمالات را ذکر کنیم.

«الحمد لله رب العالمين»